



اثربخشی فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی بر اضطراب جدایی و بهبود رابطه والد-فرزند فرزند مادران کودکان پیش‌دبستانی

مریم دهقانی^۱

چکیده

این پژوهش باهدف اثربخشی فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی بر اضطراب جدایی و بهبود رابطه والد-فرزند مادران کودکان پیش‌دبستانی انجام گرفت. پژوهش حاضر یک مطالعه نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه کودکان پیش‌دبستانی حاضر در مهدهای کودک و مراکز پیش‌دبستانی منطقه ۷ شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بود. نمونه پژوهش ۳۰ آزمودنی بود که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به‌طور گزینشی در دو گروه (۱۵ نفر آزمایش و ۱۵ نفر کنترل) قرار گرفتند، ولی گروه کنترل در انتظار درمان ماندند. پیش و پس از ده جلسه درمان، همه شرکت‌کنندگان با پرسشنامه سیاهه علائم مرضی کودکان (CSI-۴)، فرم والدین و پرسشنامه رابطه والد-کودک پیانتا (۱۹۹۴) مورد آزمون قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده از اجرای پرسشنامه-ها از طریق نرم‌افزار SPSS-V27 در دو بخش توصیفی و استنباطی (کوواریانس) انجام پذیرفت. نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد که فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی در مرحله پس‌آزمون اختلال اضطراب جدایی را کاهش می‌دهد. همچنین نتایج نشان داد که فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی باعث افزایش رابطه والد-فرزند در مادران کودکان پیش‌دبستانی شده است. به‌طورکلی، یافته‌های این پژوهش بیانگر این است که فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی می‌تواند به‌عنوان یک مداخله مؤثر در مدیریت اضطراب جدایی و بهبود رابطه والد-فرزند در مادران کودکان پیش‌دبستانی مورد استفاده قرار گیرد. این مطالعه نتایج مهمی برای متخصصان حوزه روانشناسی و آموزش کودکان به همراه دارد و به توسعه روش‌های درمانی مبتنی بر فرهنگ بومی کمک می‌کند.

واژگان کلیدی: اضطراب جدایی، رابطه والد-فرزند، فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی

^۱ کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار، گرمسار، ایران (نویسنده مسئول)
mary.dehghani53@gmail.com



مقدمه

مشکلات اضطرابی در کودکان پیش‌دبستانی بیشتر شایع بوده و شیوع جهانی آن حدود ۵/۶ درصد است و اختلال اضطراب جدایی در ۶ تا ۱۸ درصد کودکان یافت می‌شود (مورثی و اسریواتاوا^۱، ۲۰۲۴). در سبب‌شناسی اضطراب به علت‌های مختلف از قبیل روان‌شناختی، زیست‌شناختی، رفتارشناختی، ژنتیک و مبانی فرهنگی اشاره شده است (ویکس^۲ و همکاران، ۲۰۲۴). رویدادهای انتقالی استرس‌آمیز (مانند شروع مدرسه)، روابط دل‌بستگی ناامن و تجارب منفی خانوادگی از دیگر عوامل ایجادکننده اضطراب نظریه‌های تحولی اضطراب، بیانگر آن است که پذیرش کودکان توسط والدین، نوع کنترل و رفتارهای آن‌ها با بروز علائم اضطراب در کودکان ارتباط دارد (سینسبوری^۳ و همکاران، ۲۰۲۴). بنابراین نگرانی در مورد سلامت روان کودکان و تأثیر آن بر رشد و عملکرد کودک، هم‌زمان با افزایش میزان شیوع اختلالات روانی قابل تشخیص، در سال‌های اخیر به‌طور چشمگیری افزایش یافته است و بر همین اساس متخصصان بر اهمیت ارزیابی و درمان به‌موقع اختلالات روان‌شناختی تأکید می‌کنند. مطابق با تحقیقات انجام‌شده اختلالات اضطرابی در کودکان از جمله رایج‌ترین اختلالات در دوره کودکی و نوجوانی است و شواهد فراوانی وجود دارد که اکثر بزرگسالان مبتلابه این اختلالات در دوره کودکی هم این مشکل را داشته‌اند (صادقی و منیر پور، ۱۴۰۱). بر اساس متن پنجمین راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی (۲۰۱۳) برای تشخیص اضطراب جدایی در کودکان لازم است که حداقل سه نشانه در رابطه با نگرانی مفرط در مورد جدایی از شخص مورد دل‌بستگی و به مدت حداقل ۴ هفته وجود داشته باشد. این نگرانی‌ها ممکن است به‌صورت امتناع از رفتن به مدرسه، ترس و ناراحتی هنگام جدایی از نزدیکان، شکایت مکرر از نشانگان جسمانی نظیر سردرد، دل‌درد در طی مدت جدایی از افراد مورد دل‌بستگی و کابوس‌های مکرر با مضمون جدایی بروز کند. بنابراین دوران کودکی نقشی حساس و تعیین‌کننده در زندگی انسان دارد. توجه به این دوران تا آنجاست که اولاً کودکی را روان‌شناسان و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت غالباً به‌عنوان برجسته‌ترین مرحله در تکوین شخصیت انسان دانسته‌اند؛ و دوم این‌که پژوهشگران، وجود تعارضات، اختلالات و نابسامانی‌های روانی در این سنین را از عوامل اساسی در بروز مشکلات در سراسر زندگی فرد می‌دانند (آنینگ^۴ و همکاران، ۲۰۲۴). لذا در شکل‌گیری درست یک دنیای مدرن و روبه‌پیشرفت، رابطه والد-کودک از اجزا مهم یک زندگی اجتماعی محسوب می‌شود. تحقیقات روان‌شناختی، فلسفی و سیاسی از این مفهوم حمایت می‌کنند که رابطه والد-کودک یک نمونه از تغییر روش برای درک پدیده‌ها است (پرس^۵ و همکاران، ۲۰۲۴).

در باب علت‌شناسی اضطراب جدایی در کودکان، عوامل زیادی مطرح شده که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به ناتوانی والدین در مدیریت رفتار کودک و تعامل منفی والد-کودک اشاره کرد (تمیرپولوتویچ^۶، ۲۰۲۳). برخی از متخصصان معتقدند؛ اکثر مشکلات رفتاری کودکان، منعکس‌کننده شرایط پیچیده بین فردی اعضای خانواده به‌ویژه والدین می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر، وجود مشکلات اضطرابی در کودکان، به‌منزله روابط معیوب اعضای خانواده با یکدیگر است و روش‌های تربیتی نادرست والدین و تعاملات معیوب آنان با فرزندان ارتباط تنگاتنگی دارد (آلتیابی^۷، ۲۰۲۱؛ مک کاب، زر، کوک، رینگل و یه^۸، ۲۰۲۲). رابطه والد کودک، شامل ترکیبی از رفتارها، احساسات و انتظارات منحصربه‌فردی است که بین والدین و فرزندشان وجود دارد (اوتول، لیونز و هاوتون^۹، ۲۰۲۱). بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه تعامل کودکان با والدین، نتایج نشان داد رابطه با مراقب

1 - Moorthi & Srivastava

2 - Weeks

3 - Sainsbury

4 - Anning

5 - Prés

6 - Temirpulotovich

7 - Althiabi

8 - McCabe, Zerr, Cook, Ringlee & Yeh

9 - O'Toole, Lyons & Houghton



اولیه منبع مهمی برای حمایت یا استرس در سال‌های مدرسه است (آبراهامز، تسانگ و لیندائور^۱، ۲۰۲۱) و کیفیت روابط مادر-کودک با سازگاری مناسب در کودکان (فیلیپس و میچایلیسین^۲، ۲۰۲۳) رفتارهای اجتماعی کودکان (مس، مک نیل، واگنر و کوئتسج^۳، ۲۰۱۶)، سطوح پایین پریشانی روان‌شناختی در دوره بزرگسالی و بهزیستی روان‌شناختی (حسین‌خانزاده و میرزایی، ۱۳۹۶) مرتبط است و تعارض والد با کودک باعث ایجاد مشکلات رفتاری در کودکان و با همسالانشان خواهد شد (گادیر، هنریچ و فین-استونسون^۴، ۲۰۱۷).

آموزش فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی یکی از برنامه‌های آموزشی تأثیرگذار برای والدین کودکان پیش‌دبستانی به شمار می‌رود. فرزندپروری فرایندی است که شامل پرورش فرزندان از بدو تولد تا اوایل بزرگسالی می‌شود و هدف آن ارتقای تحول جسمی، شناختی، هیجانی و اجتماعی فرزندان است (کارول^۵، ۲۰۲۲). والدین به‌عنوان نقش‌آفرینان اصلی در این فرایند، مسئولیت تحول جسمی، شناختی، اخلاقی و اجتماعی فرزندان خود را بر عهده دارند و انتظار می‌رود که این وظایف را به‌طور مؤثر و با آگاهی ایفا کنند (دینی^۶، ۲۰۲۲). در خانواده‌هایی که کودکان پیش‌دبستانی دارند، والدین ممکن است به دلیل چالش‌های خاص مرتبط با سنین رشد این کودکان، به مهارت‌های خاصی نیاز داشته باشند. این والدین ممکن است در برابر موقعیت‌های خاص، مانند اضطراب جدایی یا رفتارهای چالش‌برانگیز، با دشواری‌هایی مواجه شوند و نیازمند راهکارهای مؤثری برای مدیریت این چالش‌ها باشند (گونزالز، موراسکا و هاسلام^۷، ۲۰۲۱). احساس ناکافی بودن در مهارت‌های فرزندپروری می‌تواند به افزایش استرس و اضطراب والدین منجر شود و حتی در برخی موارد ممکن است احساس انزوای اجتماعی یا ناتوانی کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که آموزش فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی می‌تواند به کاهش اضطراب و استرس والدین کمک کند (گیسویت، جینفرو و هولدن^۸، ۲۰۲۱). در همین رابطه، نتایج پژوهش‌های پورتاس، اکتار، رکسونکل، ریجترینک و بوگلز^۹ (۲۰۱۷) نشان می‌دهد که این نوع آموزش می‌تواند به بهبود روابط ناکارآمد والد-فرزند و کاهش اضطراب والدین منجر شود. همچنین، پژوهش‌های اندرسون و گوآتری^{۱۰} (۲۰۱۵)، پرنس، مک کی، راف و فورهند^{۱۱} (۲۰۱۶) و میلر و بروکر^{۱۲} (۲۰۱۷) تأیید کرده‌اند که فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی می‌تواند ظرفیت‌های والدین را برای فرزندپروری مثبت و گرم افزایش دهد. این رویکرد به والدین کمک می‌کند تا با چالش‌های عاطفی و رفتاری کودکان خود بهتر کنار بیایند و در نتیجه ارتباط مثبت و مؤثری با فرزندان خود برقرار کنند. آموزش فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی نه‌تنها به بهبود کیفیت روابط والد-فرزند کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به افزایش سلامت روانی خانواده و ارتقای کیفیت زندگی برای هر دو طرف منجر شود.

با توجه به این‌که کودکان پیش‌دبستانی به‌طور مکرر با مشکلات اضطراب جدایی مواجه هستند، این وضعیت می‌تواند منجر به بروز چالش‌هایی در روابط والد-کودک شود. اضطراب جدایی نه‌تنها بر سلامت روانی کودک تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند به اختلال در تعاملات اجتماعی و عاطفی میان والدین و فرزندان نیز منجر شود. در این زمینه، فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی به‌عنوان یک رویکرد کارآمد در کاهش اضطراب جدایی و بهبود روابط والد-فرزند می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. تحقیقات نشان می‌دهند که مهارت‌های سازمان‌دهی در فرزندپروری می‌توانند به والدین کمک کنند تا به‌طور مؤثرتری با چالش‌های مرتبط با اضطراب جدایی کودکان خود مواجه شوند. این مهارت‌ها شامل برنامه‌ریزی، ایجاد ساختار و فراهم کردن

¹ - Abrahamse, Tsang & Lindauer

² - Phillips & Mychailyszyn

³ - Masse, McNeil, Wagner & Quetsch

⁴ - Gadaire, Henrich & Finn-Stevenson

⁵ - Carroll

⁶ - Dini

⁷ - Gonzalez, Morawska & Haslam

⁸ - Gisewhite, Jeanfreau & Holden

⁹ - Potharst, Aktar, Rexwinkel, Rigterink & Bögels

¹⁰ - Anderson & Guthery

¹¹ - Parent, McKee, Rough & Forehand

¹² - Miller & Brooker



محیطی امن و حمایتگر برای کودک است که می‌تواند احساس امنیت و اعتماد به نفس را در او تقویت کند (تهرانی و همکاران، ۲۰۲۴). با این حال، در ادبیات موجود، خلأ قابل توجهی در بررسی اثربخشی این رویکرد بر اضطراب جدایی و کیفیت روابط والد-فرزند وجود دارد. بنابراین، این پژوهش به بررسی اثربخشی فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی بر اضطراب جدایی و بهبود رابطه والد-فرزند مادران کودکان پیش‌دبستانی می‌پردازد. سؤال اصلی پژوهش این است که آیا فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی می‌تواند به کاهش اضطراب جدایی در کودکان پیش‌دبستانی و بهبود کیفیت روابط والد-فرزند کمک کند؟

روش

این پژوهش یک مطالعه نیمه آزمایشی از نوع طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش شامل کودکان پیش‌دبستانی حاضر در مهدهای کودک و مراکز پیش‌دبستانی منطقه هفت شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بود. نمونه آماری این پژوهش ۱۴۰ نفر از کودکان حاضر در این مراکز بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از: کودکان ۵ تا ۷ ساله، داشتن حداقل تحصیلات دیپلم برای مادران و کسب یک نمره انحراف معیار بالاتر از میانگین هنجار در مقیاس اضطراب جدایی کودک. ملاک‌های خروج نیز شامل: قرار نداشتن کودک در معرض درمان‌های روان‌شناختی یا دارودرمانی به صورت هم‌زمان، بی‌سواد بودن والدین، ابتلا مادران به اختلالات روان‌شناختی حاد (به تشخیص روان‌شناس پژوهش)، غیبت بیش از دو جلسه کودکان در جلسات درمانی. مادران شرکت‌کننده در این پژوهش از اختیار لازم برای همکاری برخوردار بودند، رضایت آنان به صورت شفاهی جلب شد، اطلاعات مربوط به شرکت‌کننده‌ها محفوظ نگه‌داشته شد و این اطمینان به آنان داده شد که اطلاعات محرمانه بوده و به صورت گروهی گزارش خواهد شد. با توجه به ملاک‌های ورود و خروج در مجموع ۳۰ نفر انتخاب شدند و در دو گروه ۱۵ نفره آزمایش و کنترل جایگزین شدند.

ابزارهای پژوهش:

الف) پرسشنامه اضطراب جدایی: برای سنجش اضطراب جدایی در کودکان از پرسشنامه سیاهه علائم مرضی کودکان^۱ (CSI-4) استفاده شد. ابزار غربالگری^۲ برای شایع‌ترین اختلالات روان‌پزشکی بوده است که عبارت آن بر اساس ملاک‌های تشخیص راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی تدوین شده است. این سیاهه شامل فهرست علائم ۲۱ اختلال رفتاری و هیجانی است که نسخه اول پرسشنامه با نام فهرست اسپیرافکین، لانی، یونیتات و گادو در سال ۱۹۸۴ توسط اسپیرافکین و همکاران بر اساس طبقه‌بندی سومین ویرایش راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی تهیه گردید این پرسشنامه به دو شیوه نمره‌گذاری می‌گردد. ۱. روش نمره برش غربال کننده ۲. روش نمره شدت علامت. در این پژوهش از روش نمره شدت علامت استفاده شد به این شیوه که گزینه‌های هیچ‌گاه، به ندرت، گاهی اوقات و بیشتر اوقات به ترتیب با کدهای ۰، ۱، ۲، ۳ نمره‌گذاری می‌شوند. برای اضطراب جدایی گروه J مورد استفاده قرار گرفت. اعتبار این سیاهه توسط محقق به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۸۴، به دست آمد.

ب) پرسشنامه رابطه والد-کودک پیاننا (۱۹۹۴): این مقیاس توسط پیاننا (۱۹۹۴) ساخته شد و شامل ۳۳ ماده می‌باشد که ادراک والدین را در مورد رابطه آن‌ها با کودک می‌سنجد. این مقیاس شامل حوزه‌های تعارض، نزدیکی، وابستگی و رابطه مثبت کلی (مجموع تمام حوزه‌ها) می‌باشد. مقیاس رابطه والد-کودک یک پرسشنامه خود گزارش دهی است (پیاننا، ۱۹۹۴). نمره‌گذاری آن بر اساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (از نمره ۱ قطعاً صدق نمی‌کند تا نمره ۵ قطعاً صدق می‌کند) است. این مقیاس برای سنجش رابطه والد-کودک در تمام سنین استفاده شده است (تجربشی و همکاران، ۱۳۹۴). دریکسول و پیاننا (۲۰۱۱) در پژوهشی آلفای کرونباخ این پرسشنامه را در هر یک از مؤلفه‌های تعارض، نزدیکی، وابستگی و رابطه مثبت کلی به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۷۴، ۰/۶۹ و ۰/۸۰ گزارش کرده‌اند. این پرسشنامه توسط طهماسیان (۱۳۸۶) ترجمه و روایی محتوایی آن نیز

^۱ - Child Abnormal Symptoms Inventory

^۲ - screening



توسط متخصصین ارزیابی شده است. پایایی این پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ توسط ابارشی، طهماسبان، مظاهری و پناغی (۱۳۸۸) به دست آمد. پایایی حوزه‌های تعارض، نزدیکی، وابستگی و رابطه مثبت کلی به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۷۰، ۰/۶۱ و ۰/۸۶ گزارش شده است. در پژوهش وارسته (۱۳۹۵) ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه در خرده مقیاس‌های تعارض، نزدیکی، وابستگی و رابطه مثبت کلی به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۶۹، ۰/۷۴ و ۰/۸۳ به دست آمد.

ج) محتوای جلسات فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی: بسته آموزشی مورداستفاده، فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی برگرفته از کتاب «آموزش مهارت‌های سازمان‌دهی» (گالاگر^۱ و همکاران، ۲۰۱۴) بود. با توجه به این‌که مبانی آموزش در ایران با کشورهای غربی متفاوت است، بسته بومی با محوریت والدین طراحی گردد. این بسته با استفاده از روش تحلیل محتوای قیاسی و کلیه کتب، مقالات و مجلات مرتبط با مهارت‌های سازمان‌دهی، تدوین گردید. برای تعیین ضریب نسبت روایی محتوایی (CVR) از متخصصان درخواست می‌شود تا هر یک از سؤالات را بر اساس طیف سه‌بخشی (ضروری است)، (مفید است، ولی ضروری نیست) و (ضرورتی ندارد) طبقه‌بندی کنند.

جدول ۱. خلاصه محتوای جلسات بسته فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی

جلسات	هدف	محتوا و نمونه فعالیت
اول	معارفه، قوانین جلسات و دشواری فرزندپروری در کودکان پیش‌دبستانی	ابتدا در یک فضای صمیمی و دوستانه و پس از اجرای تکنیک‌های یخ‌شکنی و برقراری ارتباط عاطفی، اعضا و مدرس کارگاه به همدیگر معرفی شدند. سپس قوانین کارگاه شرح داده شد. در ادامه با ذکر مثالی عینی توسط مدرس دشواری فرزندپروری کودکان پیش‌دبستانی و نیز چالش‌ها و مشکلات والدین و ضرورت انتخاب روش فرزندپروری مناسب تشریح شد
دوم	اهمیت فرزندپروری کودکان پیش‌دبستانی و ضرورت ارتقای آن	سپس اهمیت مهارت‌های سازمان‌دهی و رویکرد فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی تشریح شد و در ادامه دلایل ضعف کودکان پیش‌دبستانی در مهارت‌های سازمان‌دهی موردبحث قرار گرفت.
سوم	فرزندپروری مبتنی بر کاوشگری	در این جلسه آموزش عملی نحوه کشف علایق کودکان پیش‌دبستانی با استفاده از کاربرگ‌هایی مورد هدف قرار گرفت
چهارم	فرزند پروری مبتنی بر پاداش	در این جلسه آموزش میزان و نحوه ارائه پاداش والدین به کودکان پیش‌دبستانی آموزش داده شد
پنجم	آموزش مهارت پیگیری تکالیف	ابتدا اهمیت پیگیری تکالیف در کودکان پیش‌دبستانی تشریح شد، سپس راهکارهای ارتقای مهارت پیگیری تکالیف در فرزندان در قالب تکنیک ثبت تکلیف روزانه و تقویم تکلیف و آزمون ارائه گردید
ششم	آموزش مهارت مدیریت وسایل (۱)	ابتدا مشکلات کودکان پیش‌دبستانی در مدیریت وسایل و نیز اهمیت آن به والدین شرح داده شد. سپس راهکارهای آن نظیر، تهیه سبد وسایل روزانه، بازیابی میز تحریر و چک‌لیست کیف مدرسه آموزش داده شد
هفتم	آموزش مهارت مدیریت وسایل (۲)	در این جلسه راهکارهای دیگر مدیریت وسایل نظیر؛ مدیریت برگه‌ها، مدیریت کمد وسایل و حذف کردن برگه‌های اضافی به والدین آموزش داده شد
هشتم	آموزش مهارت مدیریت زمان (۱)	ابتدا مشکلات کودکان پیش‌دبستانی در مدیریت زمان و نیز اهمیت آن به والدین شرح داده شد. سپس راهکارهای مدیریت زمان نظیر؛ مدیریت تکنیک آموزش بازیابی زمان، تکنیک برآورد زمان و تحلیل تکالیف آموزش داده شد
نهم	آموزش مهارت مدیریت زمان (۲)	در این جلسه راهکارهای دیگر مدیریت زمان نظیر تقویم شخصی، تکنیک بعدازظهر و تکنیک آماده برای رفتن، به والدین آموزش داده شد
دهم	آموزش مهارت برنامه‌ریزی	ابتدا مشکلات کودکان پیش‌دبستانی در مهارت برنامه‌ریزی و نیز اهمیت آن به والدین شرح داده شد. سپس راهکارهای مهارت برنامه‌ریزی نظیر برگ برنامه‌ریزی بلندمدت و

¹ - Gallagher



ترکیب تقویم تکلیف و آزمون به والدین آموزش داده شد

یازدهم مرور جلسات در این جلسه مهارت‌هایی که تاکنون آموزش داده شده بود به صورت مختصر بررسی شد تا ضمن یادآوری مجدد آن‌ها، نقایص احتمالی در درک مخاطبان از مهارت‌ها برطرف گردد.

تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از اجرای پرسشنامه‌ها از طریق نرم افزار SPSS-V27 در دو بخش توصیفی و استنباطی (تحلیل کوواریانس) انجام پذیرفت.

یافته‌ها

اطلاعات توصیفی مقیاس اضطراب جدایی و رابطه والد-فرزند در جدول ۲ به تفکیک پیش‌آزمون و پس‌آزمون در گروه آزمایش و کنترل ارائه شده است.

جدول ۲. اطلاعات توصیفی اضطراب جدایی و رابطه والد-فرزند به تفکیک مرحله سنجش در گروه‌ها

متغیر	عوامل	پیش‌آزمون	پس‌آزمون
اضطراب جدایی	شاخص آماری		
	گروه آزمایش	۲۰/۲۷	۱۴/۴۷
گروه کنترل	میانگین	۱/۸	۲/۹
	انحراف معیار	۲۰/۵۳	۱۹/۵۳
مدیریت تعارض	گروه آزمایش	۲۸/۷۳	۳۴/۲۷
	گروه کنترل	۶/۳۶	۴/۷۱
نزدیکی	گروه آزمایش	۲۸/۳۳	۲۷/۰۷
	گروه کنترل	۴/۹۸	۶/۷۲
وابستگی	گروه آزمایش	۳۱/۰۷	۳۶/۶۰
	گروه کنترل	۶/۲۷	۴/۵۸
میانگین	میانگین	۲۹/۲۰	۲۷/۵۳
	انحراف معیار	۵/۰۹	۷/۳۹
انحراف معیار	میانگین	۳۰/۶۰	۳۷/۴۰
	انحراف معیار	۴/۸۲	۶/۴۸
گروه کنترل	میانگین	۲۹/۸۷	۲۹/۴۷
	انحراف معیار	۵/۰۳	۵/۳۰

همچنان که ملاحظه می‌شود میانگین "اضطراب جدایی" گروه‌های آزمایش در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون کاهش داشته است. درحالی‌که در گروه کنترل، تفاوت بین میانگین پیش‌آزمون و پس‌آزمون قابل توجه نیست. همچنین میانگین گروه آزمایش در مرحله پس‌آزمون، نسبت به پیش‌آزمون افزایش نشان می‌دهد. بر اساس نتایج مندرج در جدول، می‌توان به این توصیف دست زد که اجرای فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی شده باعث افزایش "مؤلفه‌های رابطه والد-فرزند" مادران کودکان پیش‌دبستانی شده است. در جدول زیر آزمون تحلیل کوواریانس برای فرضیه‌های پژوهش آمده است.

جدول ۳. خلاصه آزمون مانکوا جهت بررسی اثربخشی فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی بر کاهش

اختلال اضطراب جدایی مادران کودکان پیش‌دبستانی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	سطح معناداری	اندازه اثر
--------------	---------------	------------	-----------------	--------	--------------	------------



۰/۶۳۵	۰/۰۱	۴۶/۹	۱۲۹/۲	۱	۱۲۹/۲	همپراش
۰/۶۹۹	۰/۰۱	۶۲/۷	۱۷۲/۷	۱	۱۷۲/۷	گروه
			۲/۸	۲۷	۷۴/۳	خطا
				۳۰	۹۰۶۶	کل

اطلاعات جدول ۳ نشان می‌دهد که با کنترل اثر پیش‌آزمون، اثر عامل بین گروهی، در سطح $0/01$ معنی‌دار است ($P=0/01$)، $F(1, 26) = 62/7$. به عبارت دیگر تفاوت بین نمرات پس‌آزمون گروه‌ها معنی‌دار می‌باشد. مقایسه میانگین‌ها نیز حاکی از کاهش نمرات می‌باشد. بنابراین می‌توان فرض صفر را در سطح $0/01$ رد کرده و با ۹۹ درصد اطمینان نتیجه گرفت "فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی" بر کاهش "اختلال اضطراب جدایی" کودکان پیش‌دبستانی مؤثر است. به طوری که حدود ۶۹/۹ درصد از تغییر در "اضطراب جدایی" کودکان از طریق انتساب به گروه‌های کنترل و آزمایش قابل تبیین است.

جدول ۴. نتایج تحلیل کوواریانس یک‌راهه تفاوت گروه آزمایش و کنترل در رابطه والد-فرزند

متغیر	مؤلفه	SS آزمایشی	SS خطا	MS آزمایشی	MS خطا	F	P	اندازه اثر	توان آماری
رابطه والد-فرزند	تعارض	۱/۸۷	۰/۴۵	۱/۸۷	۰/۰۳	۶۲/۲۷	۰/۰۰۱	۰/۸۰	۱
	وابستگی	۱/۴۷	۱/۰۱	۱/۴۷	۰/۰۶	۲۱/۸۵	۰/۰۰۱	۰/۵۹	۰/۹۹
	نزدیکی	۱/۹۹	۱/۶۹	۱/۹۹	۰/۱۱	۱۷/۶۴	۰/۰۰۱	۰/۵۴	۰/۹۷

با توجه به جدول ۴، آماره F برای مؤلفه‌های تعارض ($62/27$)، وابستگی ($21/85$) و نزدیکی ($17/64$) معنی‌دار می‌باشد ($P < 0/001$). اندازه اثر برای مؤلفه‌های تعارض ($0/80$)، وابستگی ($0/59$) و نزدیکی ($0/54$) می‌باشد که نشان می‌دهد این تفاوت در جامعه بزرگ و قابل توجه است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف بررسی اثربخشی فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی بر اضطراب جدایی و بهبود رابطه والد-فرزند مادران کودکان پیش‌دبستانی انجام شد. نتایج نشان داد که آموزش فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی باعث کاهش اضطراب جدایی در کودکان پیش‌دبستانی شد. نتایج پژوهش با یافته‌های (صفرعلیخانی و دنیامالی، ۱۴۰۲؛ فخری و همکاران، ۱۴۰۱؛ اسماعیل پور و همکاران، ۱۳۹۶) همخوانی دارد. در تبیین نتایج حاصل از این قسمت پژوهش می‌توان گفت، با توجه به این که اکتساب و تمرین یک رفتار جدید می‌تواند از طریق مکانیسم‌های انعطاف‌پذیری عصبی بر تحول عصبی تأثیر بگذارد (ایوانز و همکاران، ۲۰۱۶)؛ احتمال دارد آموزش مهارت‌های سازمان‌دهی بتواند در روابط متقابل مهارت‌های سازمان‌دهی با نشانه‌های اضطراب جدایی و کارکردهای عصبی-شناختی درگیر شود. برای مثال، همان‌طور که کودکان به‌واسطه فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی، مهارت‌های سازمان‌دهی را در جریان مداخله یاد می‌گیرند و تمرین می‌کنند، در کارکردهای عصبی-شناختی (مانند توجه پایدار و کنترل شناختی) نیز درگیر می‌شوند و آن‌ها را تمرین می‌کنند. این تمرین ممکن است به‌نوبه خود به شکل کاهش نشانه‌های اضطراب آشکار شوند. از دیگر مکانیزم‌های تغییر را می‌توان در مداخلات چند مؤلفه‌ای مداخله که شامل عناصری مانند کارت گزارش روزانه و آموزش مهارت‌های مطالعه می‌باشند و همچنین می‌توانند در بهبود نشانه‌های اضطراب جدایی مشارکت کنند، مورد توجه قرار دارد (اونز و همکاران، ۲۰۱۲). آموزش والدین در برنامه‌های چند مؤلفه‌ای ممکن است به پاداش‌های مشروط برای ماندن روی تکلیف در جریان مشق شب و فعالیت‌های زندگی روزانه بینجامد، که ممکن است «توجه» را بهبود بخشد (هاک و همکاران، ۲۰۱۷). این آموزش رفتاری والد یک مداخله روانی-اجتماعی مبتنی بر شواهد است که مستقیماً فرزندپروری را به‌عنوان مکانیسم اولیه تغییر هدف قرار می‌دهد و هدف آن ایجاد پیشرفت پایدار در رفتار کودک مستقیماً از طریق ارتقای استراتژی‌های مؤثر فرزندپروری است.



بنابراین آموزش فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی به‌عنوان یک رویکرد مؤثر در کاهش اضطراب جدایی در کودکان پیش‌دبستانی شناخته‌شده است. این نوع آموزش به والدین کمک می‌کند تا با ایجاد یک ساختار مشخص و پیش‌بینی پذیر در زندگی روزمره فرزندان خود، احساس امنیت و ثبات را در آن‌ها تقویت کنند. کودکان در سنین پیش‌دبستانی به دلیل عدم تمایز کامل بین خود و دیگران و وابستگی عاطفی به والدین، به‌طور طبیعی در مواجهه با جدایی از آن‌ها احساس اضطراب می‌کنند. والدینی که مهارت‌های سازمان‌دهی را به‌خوبی یاد گرفته‌اند، قادرند محیطی امن و حمایتگر فراهم کنند که در آن کودک به تدریج احساس استقلال و خودکفایی بیشتری پیدا کند. این والدین با برنامه‌ریزی منظم فعالیت‌ها، تعیین زمان‌های خاص برای جدایی و بازگشت، و ارتقاء مهارت‌های اجتماعی فرزندان خود، به آن‌ها کمک می‌کنند تا در مواجهه با جدایی احساس اطمینان بیشتری داشته باشند. به‌علاوه، آموزش فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی به والدین می‌آموزد که چگونه با استفاده از تکنیک‌های مؤثر ارتباطی، احساسات کودک را بهتر درک کرده و به آن‌ها پاسخ دهند. این نوع تعاملات مثبت می‌تواند به کاهش اضطراب جدایی کمک کند، زیرا کودک احساس می‌کند که والدینش در کنار او هستند و از او حمایت می‌کنند. از سوی دیگر، والدین با یادگیری روش‌های مؤثر مدیریت زمان و تنظیم برنامه‌ها می‌توانند به کاهش تنش‌های روزمره در خانواده بپردازند، که این خود به‌نوبه خود به کاهش اضطراب در کودکان منجر می‌شود. به‌این ترتیب، نتایج نشان می‌دهد که آموزش فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی نه تنها به بهبود روابط والد-فرزند کمک می‌کند، بلکه تأثیر مستقیمی بر کاهش اضطراب جدایی در کودکان پیش‌دبستانی دارد. این رویکرد، با ایجاد یک محیط امن و ساختارمند، به کودکان کمک می‌کند تا به تدریج توانایی‌های لازم برای مواجهه با جدایی را در خود پرورش دهند و از این طریق، به سلامت روانی و عاطفی آن‌ها کمک می‌کند.

همچنین نتایج نشان داد که آموزش فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی باعث بهبود رابطه والد-فرزند مادران کودکان پیش‌دبستانی شد. نتایج پژوهش با یافته‌های (میلر و بروکر، ۲۰۱۷؛ پرنس و همکاران، ۲۰۱۶؛ اندرسون و گواتری، ۲۰۱۵) همسو می‌باشد. در تبیین اثرگذاری فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی بر روابط والد-کودک موارد زیر قابل توجه می‌باشد: با توجه به ضعف شدید در مهارت‌های سازمان‌دهی کودکان دارای اضطراب جدایی و پیامدهای منفی بعدازآن، تعجبی ندارد که والدین آنان از تجربه اختلافات شدید و مکرر در روابط والد-کودک نسبت به والدین کودکان عادی حرف بزنند. این پژوهش، والدگری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی را به‌عنوان استراتژی مؤثر والدگری نشان داد و با ایجاد درک عمیق از اضطراب جدایی این اختلال را برای والدین عینی سازی نمود. فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی دربرگیرنده یک عنصر روانی-اجتماعی است که کاهش مشکلات تکالیف منزل و پیشرفت‌های چشمگیر در عملکرد تحصیلی را تبیین می‌کند (مریل و همکاران، ۲۰۱۷) و از این طریق می‌تواند بر بهبود روابط والد-کودک تأثیرگذار باشد. آموزش فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی به‌طور قابل توجهی می‌تواند به بهبود روابط والد-فرزند در مادران کودکان پیش‌دبستانی کمک کند. این نوع آموزش به والدین می‌آموزد که چگونه با ایجاد یک محیط منظم و ساختارمند، ارتباطات مثبت و مؤثری با فرزندان خود برقرار کنند. با یادگیری مهارت‌های سازمان‌دهی، والدین قادر خواهند بود زمان خود را بهتر مدیریت کنند و فعالیت‌های روزمره را به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که شامل زمان‌های باکیفیت و تعاملات معنادار با فرزندان باشد. این تعاملات می‌تواند شامل بازی‌های مشترک، خواندن کتاب، یا صرف زمان در فعالیت‌های خلاقانه باشد که به تقویت پیوند عاطفی بین والد و فرزند کمک می‌کند. در این فرآیند، والدین یاد می‌گیرند که به نیازهای عاطفی و اجتماعی فرزندان خود توجه بیشتری داشته باشند و با استفاده از مهارت‌های ارتباطی مؤثر، احساسات و افکار فرزندان را به‌خوبی درک کنند. این امر به‌نوبه خود به ایجاد حس اعتماد و نزدیکی عاطفی بین والد و فرزند منجر می‌شود. علاوه بر این، والدینی که مهارت‌های سازمان‌دهی را به کار می‌برند، معمولاً در مدیریت چالش‌ها و رفتارهای مشکل‌دار کودکان موفق‌تر هستند. این موفقیت می‌تواند به افزایش اعتمادبه‌نفس والدین و فرزندان منجر شود و در نتیجه، کیفیت تعاملات والد-فرزند را بهبود بخشد. همچنین، با ایجاد یک محیط امن و ساختارمند، کودکان احساس می‌کنند که والدینشان درک و حمایت بیشتری از آن‌ها دارند، که این خود به تقویت روابط عاطفی و اجتماعی بین آن‌ها کمک می‌کند. درنهایت، بهبود روابط والد-فرزند ناشی از



آموزش فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی می‌تواند تأثیرات مثبت بلندمدتی بر سلامت روانی و عاطفی هر دو طرف داشته باشد و به ایجاد یک خانواده سالم‌تر و پایدارتر منجر شود. این نوع آموزش نه تنها به والدین کمک می‌کند تا ارتباط بهتری با فرزندانشان برقرار کنند، بلکه به فرزندان نیز این امکان را می‌دهد که در یک محیط حمایتی و گرم رشد کنند و مهارت‌های اجتماعی و عاطفی لازم برای زندگی آینده را به دست آورند.

از آنجا که جامعه آماری این پژوهش مادران کودکان پیش‌دبستانی شهر تهران بودند، تعمیم نتایج به سایر مادران و محیط‌های آموزشی دیگر باید با احتیاط صورت بگیرد. پژوهش حاضر بر روی مادران انجام شده که به این لحاظ با محدودیت جنسیت روبه‌روست و نمی‌توان نتایج آن را به پدران تعمیم داد. با توجه به اثربخشی آموزش فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی بر کاهش اضطراب جدایی و بهبود رابطه والد-فرزند پیشنهاد می‌شود در کلینیک‌های مشاوره، درمان و مراکز آموزشی از آن استفاده شود. همچنین پیشنهاد می‌شود کارگاه‌های متعدد آموزشی درباره آموزش فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی و ارتباط آن با عوامل روان‌شناختی برگزار شود تا با آموزش و به‌کارگیری تکنیک‌های کاربردی آن توسط خانواده‌های کودکان پیش‌دبستانی ارتقای سلامت روان آن‌ها فراهم شود. همچنین توصیه می‌شود برنامه آموزشی فرزندپروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی در اختیار خانواده‌ها قرار بگیرد. در این میان، برنامه‌های تربیتی و سمینارها می‌تواند برای تقویت مهارت‌های فرزندپروری والدین و مربیان در مدارس و مراکز پیش‌دبستانی مفید باشد.



منابع

- اسماعیل پور، خلیل؛ محمد پور، محمد و خانجانی، زینب. (۱۳۹۶). اثربخشی مدل اصلاح شده درمان تعامل والد-کودک بر علائم اضطراب جدایی کودکان پیش دبستانی: یک مطالعه موردی. *فصلنامه پژوهش های نوین روان شناختی*، ۴۷ (۱۱)، ۲۲-۱.
- حسین خانزاده و میرزایی. (۱۳۹۶). نقش انسجام خانواده و تعامل والد-فرزند در تبیین حرمت خود دانش آموزان. *اندیشه های نوین تربیتی*، ۱۳ (۴)، ۹-۱۷.
- صادقی، ملینا و منیر پور، نادر. (۱۴۰۱). پیش بینی اضطراب جدایی کودکان دبستانی بر اساس ساختار شخصیت و روابط موضوعی مادران. *نشریه رویش روانشناسی*، ۱۱ (۸)، ۱۰۳-۱۱۰.
- صفرعلیخانی، الهام و دنیاامالی، سکینه. (۱۴۰۲). اثربخشی آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد بر اضطراب و خودتنظیمی هیجانی والدین کودکان دارای اختلالات یادگیری. *نشریه رویش روانشناسی*، ۱۲ (۴)، ۱۷۷-۱۸۶.
- فخری، زهرا؛ زارع، حسین؛ علیپور، احمد و شریف الحسینی، مهدی. (۱۴۰۱). اثربخشی آموزش برنامه فرزندپروری حمایت گرایانه بر الگوهای فرزندپروری، افسردگی، اضطراب و استرس مادران و مشکلات رفتاری برونی سازی کودکان. *مجله مطالعات روانشناسی تربیتی*، ۴۷ (۱۱)، ۱۱۱-۱۳۵.
- Abrahamse, M. E., Tsang, V. M., & Lindauer, R. J. (2021). Home-Based Parent-Child Interaction Therapy to Prevent Child Maltreatment: A Randomized Controlled Trial. *International journal of environmental research and public health*, 18(16), 8244.
- Althiabi, Y. (2021). Attitude, anxiety and perceived mental health care needs among parents of children with Autism Spectrum Disorder (ASD) in Saudi Arabia during COVID-19 pandemic. *Research in Developmental Disabilities*, 111, 103873.
- Anderson, S. B., & Guthery, A. M. (2015). Mindfulness-based psychoeducation for parents of children with attention-deficit/hyperactivity disorder: an applied clinical project. *Journal of Child and Adolescent Psychiatric Nursing*, 28(1), 43-49.
- Anning, K. L., Langley, K., Hobson, C., De Sonnevile, L., & Van Goozen, S. H. (2024). Inattention symptom severity and cognitive processes in children at risk of ADHD: the moderating role of separation anxiety. *Child Neuropsychology*, 30(2), 264-288.
- Carroll, P. (2022). Effectiveness of positive discipline parenting program on parenting style, and child adaptive behavior. *Child Psychiatry & Human Development*, 53(6), 1349-1358.
- Dini, J. P. A. U. (2022). Management of Parenting Activities in Forming Character of Early Childhood. *Jurnal Obsesi: Jurnal Pendidikan Anak Usia Dini*, 6(4), 3169-3179.
- Evans, S. W., Langberg, J. M., Schultz, B. K., Vaughn, A., Altaye, M., Marshall, S. A., & Zoromski, A. K. (2016). *Evaluation of a school-based treatment program for young adolescents with ADHD*. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 84(1), 15-30.
- Gadaire, D. M., Henrich, C. C., & Finn-Stevenson, M. (2017). Longitudinal Effects of Parent-Child Interactions on Children's Social Competence. *Research on Social Work Practice*, 27(7), 767-778.
- Gallagher, R., Abikoff, H. B., & Spira, E. G. (2014). *Organizational skills training for children with ADHD: An empirically supported treatment*. Guilford Publications



- Gisewhite, R. A., Jeanfreau, M. M., & Holden, C. L. (2021). A call for ecologically-based teacher-parent communication skills training in pre-service teacher education programmes. *Educational Review*, 73(5), 597-616.
- Gonzalez, C., Morawska, A., & Haslam, D. M. (2021). A model of intention to participate in parenting interventions: The role of parent cognitions and behaviors. *Behavior Therapy*, 52(3), 761-773.
- Haack, L. M., Villodas, M., McBurnett, K., Hinshaw, S., & Pfiffner, L. J. (2017). *Parenting as a mechanism of change in psychosocial treatment for youth with ADHD, predominantly inattentive presentation*. *Journal of abnormal child psychology*, 45(5), 841-855.
- Masse, J. J., McNeil, C. B., Wagner, S., & Quetsch, L. B. (2016). Examining the efficacy of parent-child interaction therapy with children on the autism spectrum. *Journal of Child and Family Studies*, 25, 2508-2525.
- McCabe, K. M., Zerr, A., Cook, M., Ringlee, L., & Yeh, M. (2022). The relation between Parent mental health and child internalizing symptoms in parent-child interaction therapy. *Journal of Child and Family Studies*, 31(8), 2065-2076.
- Merrill, B. M., Morrow, A. S., Altszuler, A. R., Macphee, F. L., Gnagy, E. M., Greiner, A. R., & Pelham, W. E. (2017). *Improving homework performance among children with ADHD: A randomized clinical trial*. *Journal of consulting and clinical psychology*, 85(2), 111
- Miller, C. J., & Brooker, B. (2017). Mindfulness programming for parents and teachers of children with ADHD. *Complementary therapies in clinical practice*, 28, 108-115.
- Moorthi, K., & Srivastava, P. (2024). Role of Carcinosisinum in managing Separation Anxiety Disorder in children: A case report. *Indian Journal of Research in Homoeopathy*, 19(1), 34-43.
- O'Toole, C., Lyons, R., & Houghton, C. (2021). A qualitative evidence synthesis of parental experiences and perceptions of parent-child interaction therapy for preschool children with communication difficulties. *Journal of Speech, Language, and Hearing Research*, 64(8), 3159-3185.
- Owens, J. S., Holdaway, A. S., Zoromski, A. K., Evans, S. W., Himawan, L. K., Girio-Herrera, E., & Murphy, C. E. (2012). *Incremental benefits of a daily report card intervention over time for youth with disruptive behavior*. *Behavior therapy*, 43(4), 848-861.
- Parent, J., McKee, L. G., N Rough, J., & Forehand, R. (2016). The association of parent mindfulness with parenting and youth psychopathology across three developmental stages. *Journal of abnormal child psychology*, 44, 191-202.
- Phillips, S. T., & Mychailyszyn, M. P. (2023, April). Parent-Child Interaction Therapy for preschool aged youth: A meta-analysis of developmental specificity. In *Child & Youth Care Forum* (Vol. 52, No. 2, pp. 267-284). New York: Springer US.
- Potharst, E. S., Aktar, E., Rexwinkel, M., Rigterink, M., & Bögels, S. M. (2017). Mindful with your baby: Feasibility, acceptability, and effects of a mindful parenting group training for mothers and their babies in a mental health context. *Mindfulness*, 8, 1236-1250.
- Preś, J. E., Świątkowska, K., & Kołakowski, A. (2024). Cognitive behavioral therapy for the treatment of separation anxiety disorder in children-a research review and case study. *Psychiatria polska*, 58(5), 761-771.



- Sainsbury, W. J., Whitehouse, A. J., Woods, L., Jiang, T., & Waddington, H. (2024). Child and Family Characteristics Associated with Symptoms of Anxiety in Autistic Children: A Biobank Study. *Journal of Autism and Developmental Disorders*, 1-12.
- Tehrani, H. D., Yamini, S., & Vazsonyi, A. T. (2024). The effectiveness of parenting program components on disruptive and delinquent behaviors during early and middle childhood: A component network meta-analysis. *Journal of Experimental Criminology*, 20(3), 843-881.
- Temirpulotovich, T. B. (2023). Effects of social factors in children with anxiety-phobic disorders. *Journal of healthcare and life-science research*, 2(10), 35-41.
- Weeks, G. A., Sakmar, E., Clark, T. A., Rose, A. M., Silverman, W. K., & Lebowitz, E. R. (2024). Family accommodation and separation anxiety: the moderating role of child attachment. *Child Psychiatry & Human Development*, 1-10.



Effectiveness of Organization-Based Parenting on Separation Anxiety and Parent-Child Relationship in Mothers of Preschool Children

Maryam Dehghani¹

Abstract

This research was conducted to investigate the effectiveness of organization-based parenting on separation anxiety and the improvement of the parent-child relationship in mothers of preschool children. The present study is a semi-experimental research with a pre-test-post-test design and a control group. The statistical population of this research included all preschool children attending kindergartens and preschool centers in District 7 of Tehran during the academic year 2023-2024. The sample consisted of 30 participants selected through convenience sampling and was selectively divided into two groups (15 in the experimental group and 15 in the control group), with the control group remaining on a waiting list for treatment. Before and after ten therapy sessions, all participants were assessed using the Child Symptom Inventory (CSI-4) parent form and the Parent-Child Relationship Questionnaire by Pianta (1994). Data analysis of the questionnaire results was conducted using SPSS-V27 software, employing both descriptive and inferential (covariance) statistics. The results of the covariance analysis indicated that organization-based parenting significantly reduced separation anxiety in the post-test phase. Additionally, the findings demonstrated that organization-based parenting led to an increase in the parent-child relationship among mothers of preschool children. Overall, the findings of this research suggest that organization-based parenting can serve as an effective intervention for managing separation anxiety and improving the parent-child relationship in mothers of preschool children. This study carries significant implications for professionals in psychology and child education and contributes to the development of culturally relevant therapeutic methods.

Keywords: Separation Anxiety, Parent-Child Relationship, Organization-Based Parenting

¹ Master of Science in Clinical Psychology, Faculty of Psychology, Islamic Azad University, Garmsar Branch, Garmsar, Iran (Corresponding Author)